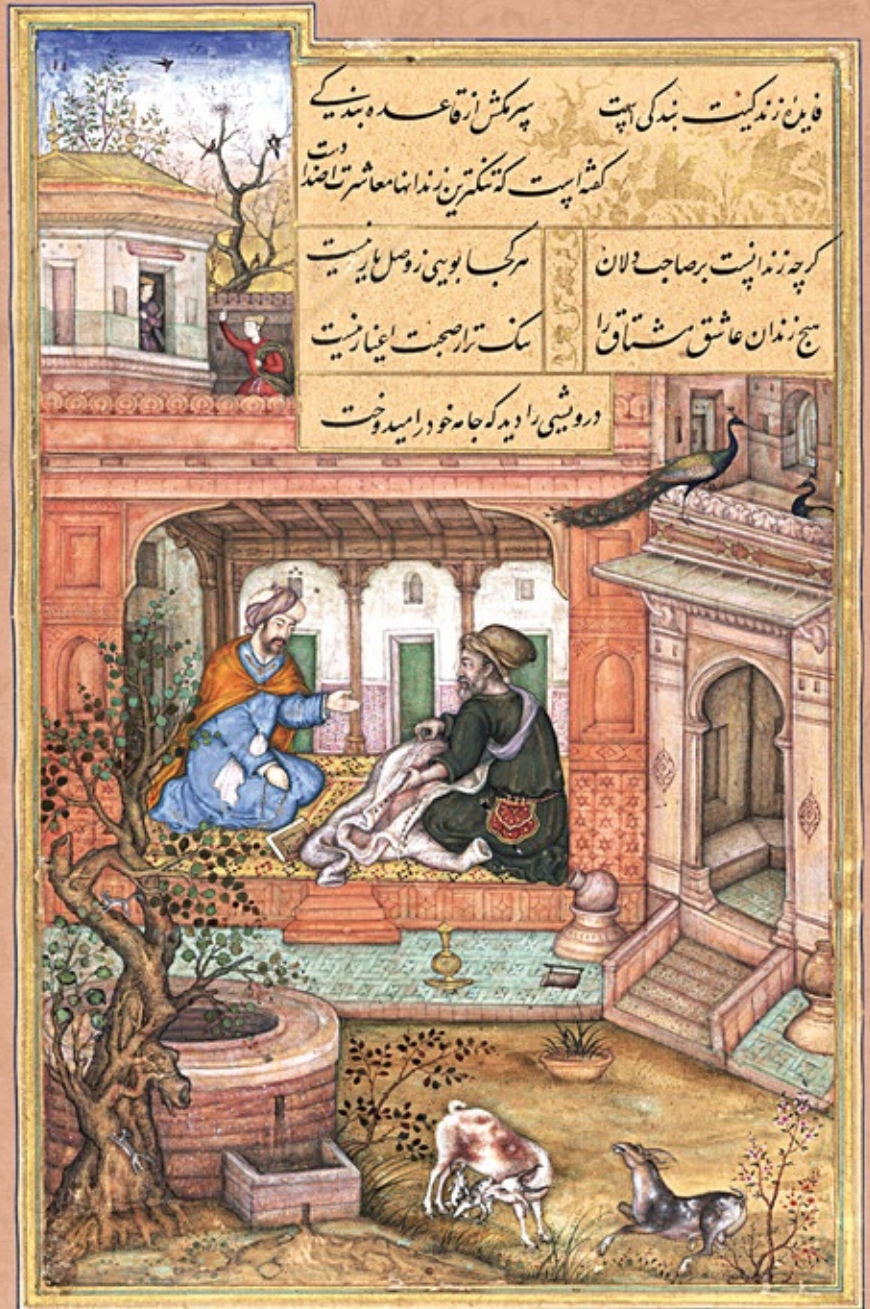


گزارش میراث

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۹ [انتشار: بهار ۱۴۰۱]

سرخس: چرا از ترجمه غافلیم؟ ● رساله‌ای درباره سرگذشت و آثار ارسطو / مواند راند، ترجمه حسین مصومى مصفا ● یک داستان عاشقانه دور از انتظار: ارزیابی مجدد انتساب خسرونامه / لستین اوسلی، ترجمه شکوه سیدی ● ابوالسحاق کازرونی و دوروش‌های اسحاقی در آناتولی / فواد کوروش، ترجمه به آگاشی، پ. ویک، ترجمه از آگاشی به زکریا جمال کوروش، ترجمه به فارسی محبت لغوی ● نسخه‌های نویافته از هزار حکایت صوفیان / سید عالم‌بهره ● دوستی شاه خرمسه / سید احمدرضا قائم‌مقام ● بیاض صائب / سید جعفر حسین اشکوری ● استنراقاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان / حمیدرضا بابکی سلماسی ● آگاهی‌هایی دیگر از شاعر «ز گهواره تا گور دانش بجوی» و خاندان او / حمیدرضا لهنیز سیدی ● بررسی اشعار دو شمس حاجی در مجموعه لطایف و سفینه نظریات / محسن شریف صبی ● مکویات قدیم یا مکویات صلیبی؟ ادراک بر نام یک اثر / مستصاف غامدی ● بررسی یک احتمال: جای خالی عنوان «عروش الدین» در لباب الایجاب / سارا سلیمان کشکولی ● بررسی ابیاتی از تفریحی سیستان بر اساس جنگ یحیی توفیق / مجله‌نامه نور ● زیر ردای مستشرقین: مسیر اکتشاف نسخه‌های سفرنامه ابن بطوطه / رحانه بهروی ● اهمیت فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره (آمریکا) از دیدگاه شبه‌فازره / عارف نوشاهی ● نکاتی درباره تصحیح تازه فرامرنامه کوچک و سراینده و زمان نظم آن / سجاد آبنلو ● ترجمه یا مرجمه؟ (نویسه‌هایی درباره پژوهشی در طبع «الجنون» یوسف الهادی، ترجمه سلمان ساکت ● ملاحظاتی متن تصحیح‌شده عجایب الدنیا / سید رضا موسوی هفتاد / رمان رسول مهربانی ● ریشه‌شناسی چه می‌کنند؟ (۱۲) / یک لقب و منصب پادسی در اسناد آرامی باستان / والتر برونونو هینک، ترجمه سید احمدرضا قائم‌مقام ● ایران در متون و منابع عثمانی (۲۳) / آثار احمد جودت‌پاشا / نصرالله صالح ● توضیحی درباره «سین زایی» و «شین زایی» / علی‌شرف صافقی ● چند - مسوول‌رستری‌پور



فهرست

سرخن

چرا از ترجمه غافلیم؟ ۴-۳

جستار

رساله‌های درباره سرگذشت و آثار ارسطو / مروان راشد: ترجمه: حسین معصومی همدانی ۸-۵

یک داستان عاشقانه دور از انتظار: ارزیابی مجدد انتساب خسرونامه / آستین اوملی: ترجمه: شکوفه میبیدی ۳۳-۹

ابواسحاق کازرونی و درویش‌های اسحاقی در آناتولی / فواد کوپرولی: ترجمه به آلمانی: پ. ویتیک: ترجمه از آلمانی به ترکی: ۴۰-۳۴

جمال کوپرولی: ترجمه به فارسی: حجت فخری ۵۰-۴۱

نسخه‌های نویافته از هزار حکایت صوفیان / حامد خانی‌پور ۵۵-۵۱

دوستی خاله خرسه / سید احمدرضا قائم‌مقامی ۵۹-۵۶

بیاض صائب / سید جعفر حسینی اشکوری ۶۶-۶۰

استدراکاتی بر مقدمه چاپ عکسی تاریخ سیستان / حمیدرضا (بابک) سلمانی ۷۲-۶۷

آگاهی‌هایی دیگر از شاعر «ز گهواره تا گور دانش بجوی» و خاندان او / حمیدرضا فهندژ سعدی ۷۵-۷۳

بررسی اشعار دو شمس حاجی در مجموعه لطایف و سفینه طرایف / محسن شریفی صحنی ۷۸-۷۶

مکتوبات قدیم یا مکتوبات صلی؟ (درنگی بر نام یک اثر) / محمّدصادق خانی ۸۰-۷۹

بررسی یک احتمال: جای خالی عنوان «عروش الدین» در لباب الالباب / سارا سلیمانی کشکولی ۸۷-۸۱

بررسی ابیاتی از فخری سیستانی بر اساس جنگ یحیی توفیق / کیامهر نامور ۹۵-۸۸

زیرردای مستشرقین: مسیر اکتشاف نسخه‌های سفرنامه ابن بطوطه / ریحانه بهبودی ۹۸-۹۶

نقد و بررسی

اهمیت فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه کنگره (آمریکا) از دیدگاه شبه‌فازره / عارف نوشاهی ... ۱۱۳-۹۹

نکاتی درباره تصحیح تازه فرامرنامه کوچک و سراینده و زمان نظم آن / سجاد آیدنلو ۱۲۳-۱۱۴

ترجمه یا مرجمه؟ (توضیحاتی درباره پژوهشی در طبائع الحیوان) / یوسف الهادی: ترجمه: سلمان ساکت ۱۴۵-۱۲۴

ملاحظاتی در متن تصحیح‌شده عجایب الدنیا / سید رضا موسوی هفتاثر: رادمان رسولی مهربانی ۱۴۵-۱۲۴

پژوهش‌های دبایستی

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۱۲) (یک لقب و منصب پارسی در اسناد آرامی باستان) / والتر برونو هنینگ: ترجمه: سید احمدرضا قائم‌مقامی ۱۵۱-۱۴۶

ایران «متون و منابع عثمانی» (۳)

آثار احمد جودت‌پاشا / نصرالله صالحی ۱۵۶-۱۵۲

دبارة نوسازی پیرین

توضیحی درباره «سین زایی» و «شین زایی» / علی‌اشرف صادقی ۱۵۹-۱۵۷

چند-چند / مسعود راستی‌پور ۱۵۹-۱۵۷

آگاهی‌هایی دیگر از شاعر «ز گهواره تا گور دانش بجوی» و خاندان او

حمیدرضا فهندژ سعدی

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران
hamidreza.fah@gmail.com

نگارنده پیش از این در مقاله‌ای زیر عنوان «آگاهی‌های تازه دربارهٔ "ز گهواره تا گور دانش بجوی" و سرایندهٔ آن»، جزئیات مهمی در باب این مصرع و سرایندهٔ اصلی آن، یعنی میرزا قاسم فخرالاشرف شیرازی، ارائه نموده‌است (نک. شعرپژوهی (دانشگاه شیراز)، سال سیزدهم، شمارهٔ دوم، تابستان ۱۴۰۰، پیاپی ۴۸، ص ۱۴۹-۱۷۲). پیش از مقالهٔ اینجانب، سید محمد دبیرسیاقی^۱، مصطفی ذاکری^۲ و محمدرضا ضیاء^۳ در این باره مطالبی نگاشته‌اند.

در اینجا به هیچ وجه قصد ندارم یافته‌های مقالهٔ پیش‌گفته را تکرار کنم. پس از نگارش مقالهٔ مذکور، پژوهش خود را پی گرفتم و خوشبختانه اطلاعات دیگری دربارهٔ فخرالاشرف شیرازی و خاندانش به دست آوردم که ارائهٔ آن‌ها جهت تحقیق بیشتر در آثار و احوال وی ضروری می‌نماید.

جهت ورود به بحث، به صورت خیلی خلاصه یادآوری

۱. دبیرسیاقی، محمد (۱۳۷۶). «نام سراینده: ز گهواره تا گور دانش بجوی». کلک، ش ۸۹-۹۳: ۱۴۷-۱۴۸؛ همو (۱۳۸۹)، «پاره‌ها و نکته‌ها: ز گهواره تا گور دانش بجوی»، گزارش میراث، ش ۴۱: ۲۲؛ همو (۱۳۹۰). «پاره‌ها و نکته‌ها: من ز آغاز و ز انجام اثر باخبرم و یک یادآوری». گزارش میراث، ش ۴۵: ۳۶-۳۷.
۲. ذاکری، مصطفی (۱۳۹۰). «دربارهٔ ز گهواره تا گور دانش بجوی». گزارش میراث، ش ۴۵: ۲۸-۲۹.
۳. ضیاء، محمدرضا (۱۳۹۲). «شاعر ز گهواره تا گور دانش بجوی کیست؟!». گزارش میراث، ش ۵۶-۵۷: ۴۲.

می‌کنم که شعر «ز گهواره تا گور دانش بجوی» از فردوسی نیست و شاعر آن یکی از کارگزاران وزارت معارف و صنایع مستظرفه در دورهٔ پهلوی اول، به نام میرزا قاسم فخرالاشرف شیرازی است. وی از خاندان‌های برجستهٔ شیراز و داماد شیخ‌الرئیس ابوالحسن میرزا قاجار بوده‌است و شعر مذکور را در سال ۱۳۱۵ شمسی به مناسبت تأسیس آموزش بزرگسالان (تعلیم اکابر) از روی حدیث منسوب به پیامبر («أطلبوا العلم من المهدی الی اللحد») به نظم پارسی درآورده است.

میرزا قاسم شیرازی، ملقب به فخرالاشرف، بر اساس ذکر مختصر او در آثار عجم^۴ ابتدا «ضیاء» تخلص می‌کرده اما با توجه به اشعاری که از او در بعضی مجلات و کتیبه‌های دورهٔ پهلوی اول آمده، بعدها تخلص خود را به «فخر» تغییر داده‌است. اینک قول فرصت شیرازی:

جناب میرزا قاسم متخلص به ضیاء ولد ارجمند حاجی میرزا حسن سابق‌الذکر (نک. ادامهٔ همین مقاله) است که در اکتشاف علوم جهدی وافی دارد و سعی کافی. شعر را هم خوب می‌گوید. ازوست:

کس ندانم که طلبکار چنین روی نباشد
که دلش سخت‌تر از آهن و از روی نباشد
پای بر خاک نهی، بهر چه بر دیدهٔ من نه
حیف سرو است که پایش به سر جوی نباشد

(فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/۸۷۳)

از این ترجمان معلوم می‌شود که نام او «میرزا قاسم» است، نه به صورت کنیه «میرزا ابوالقاسم»، چنان‌که نگارنده در مقالهٔ مجلهٔ شعرپژوهی از قول علی‌اصغر حکمت و سید محمد دبیرسیاقی نقل کرده‌است.

در فرهنگ سخنوران دو مدخل زیر عنوان «فخر شیرازی» آمده که در واقع هر دو مدخل مربوط به یک شاعر است و نگارنده در مقالهٔ پیش‌گفته به جزئیات این دو تخلص دقت بایسته‌ای نکرده‌بود و در آن‌جا نوشت که

۴. بعضی از پژوهشگران نام این کتاب را آثار العجم ضبط کرده‌اند؛ از جمله علی‌دهب‌اشی در عنوان چاپی که از این کتاب به دست داده‌است (آثار العجم، نشر فرهنگسرا، ۱۳۶۲) و نیز رستگار فسایی در حواشی بعضی از صفحات فارسنامهٔ ناصری (چاپ چهارم، ۱۳۸۸)، که ظاهراً صحیح نیست. عنوان این کتاب بر روی جلد چاپ سنگی (بمبئی، ۱۳۱۴) و صفحات نخست آن «آثار عجم» بدون «ال» آمده‌است.

این سنووات با والد خود به طهران رفته و در آنجا سکونت نموده» (داور شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۶۳-۳۶۴).

نشانه تعیین‌کننده در واقع عبارت «ختن جناب شیخ‌الرئیس ولد حسام‌السلطنه گردیده» است و اگر این تذکر داور شیرازی نبود، تشخیص این‌که هر دو تخلص مربوط به یک شخص است دشوار بود و باید به همان حدس و گمان روی می‌آوردیم و در عین حال از اطلاعات بیشتر مربوط به زندگی و خاندان فخرالاشراف محروم می‌شدیم. همچنین از جمله‌ای که می‌گوید «در این سنووات با والد خود به طهران رفته» معلوم می‌شود که مهاجرت فخرالاشراف و پدرش به تهران حدود سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ ق بوده‌است، چرا که داور تذکره خود را ظاهراً در فاصله همین سال‌ها تألیف نموده‌است. بنا بر این، می‌توان گفت که فخرالاشراف در اواخر دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) و اوایل پادشاهی مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ ق) در سنین جوانی بوده‌است و مهاجرت او به تهران هم در این دوران اتفاق افتاده‌است.

خاندان فخرالاشراف شیرازی

میرزا حسن فسایی در فارسنامه ناصری ذیل محله میدان شاه، اطلاعات ارزشمندی درباره این خاندان آورده‌است که ظاهراً جای دیگری یافت نمی‌شود (نک. فسایی، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۰۹۶-۱۱۰۰). فسایی این خاندان، یعنی «سلسله سادات موسوی»، را از اعیان و اشراف محله میدان شاه دانسته و نوشته‌است که اینان به «طایفه ملاباشی»^۶ مشهورند. سپس به معرفی هر یک از برجستگان این قوم می‌پردازد که از حکیم سلمان پزشک شاه عباس اول آغاز می‌شود و به ذکر مختصری از پدر و نیز عموهای میرزا قاسم فخرالاشراف (یعنی شش فرزند میرزا علی فخرالدوله) ختم می‌گردد. سلسله این خاندان از حکیم سلمان تا میرزا قاسم فخرالاشراف

۶. چنان‌که پس از این خواهد آمد، ملاباشی در اصل لقب میرزا محمدباقر فرزند سید محمد حکیم‌باشی بوده‌است و ظاهراً از آن‌جا که در زمان نگارش فارسنامه ناصری افراد برجسته و نامی این خاندان از فرزندان میرزا محمدباقر ملاباشی بوده‌اند، به وجه تغلیب همه افراد خاندان را تحت عنوان «طایفه ملاباشی» می‌شناخته‌اند؛ هم آنان که سمت ملایی داشته‌اند و هم کسانی که به شغل آبا و اجدادی خویش، یعنی طبابت، مشغول بوده‌اند.

ارتباطی میان این دو «فخر شیرازی» نمی‌بیند؛^۵ حال آن‌که نه تنها این دو مدخل متعلق به یک شاعر است، بلکه این فخر شیرازی (یعنی میرزا علی فخرالدوله فرزند میرزا رحیم بیدل) پدربزرگ فخرالاشراف است و این‌که میرزا قاسم لقب «فخرالاشراف» را برای خود برگزیده یا بدو داده‌اند و بعدها تخلص خود را از «ضیاء» به «فخر» تغییر داده به همین مناسبت بوده‌است (همچنین نک. ادامه مقاله، مطلب مربوط به میرزا رحیم بیدل). نگارنده این مطلب را ضمن بازخوانی و تأمل در احوال بعضی افراد خاندان موسوی شیراز در آثار عجم دریافت (نک. فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/ ۸۷۱-۸۷۳). در آن‌جا به ذکر مختصر میرزا حسن (پدر فخرالاشراف) برخورد و البته تا آن زمان نمی‌دانست که میرزا حسن پدر فخرالاشراف است. صاحب آثار عجم پس از ذکر میرزا حسن، از فرزند او به نام «میرزا قاسم» متخلص به «ضیاء» نام برده‌است. در این‌جا بود که نگارنده احتمال داد این میرزا قاسم متخلص به «ضیاء» باید همان میرزا قاسم ملقب به «فخرالاشراف» باشد که بعدها در مجلات دوره پهلوی اول، «فخر» تخلص کرده‌است. به همین مناسبت به تذکره مرآت الفصاحه داور شیرازی رجوع کرد و بر اساس یک نشانه کوچک معلوم شد که «ضیاء» و «فخر» هر دو، تخلص یک شاعر است، یعنی میرزا قاسم فرزند میرزا حسن فرزند میرزا علی فخرالدوله (فخر شیرازی). اینک قول تذکره مرآت الفصاحه را می‌خوانیم:

اسمش میرزا قاسم، ولد ارجمند حاجی میرزا حسن، ملقب به فخرالدوله که سابقاً ذکر او شد. تحصیل علمی کرده و ختن (= داماد) جناب شیخ‌الرئیس ولد حسام‌السلطنه گردیده و در

۵. به همین سبب وقتی که سرکار خانم رقیه فراهانی در این باره با نگارنده مکاتبه کردند و از رابطه احتمالی میرزا علی فخرالدوله و میرزا قاسم فخرالاشراف پرسیدند (با ارجاع به فرصت شیرازی، ۱۳۱۴: ۵۲۷-۵۲۸)، عرض کردم که من متوجه این منابع و اعلام بوده‌ام، اما هنوز ارتباط قانع‌کننده‌ای میان این دو شخص نمی‌بینم (نک. ادامه همین مقاله). ایشان همچنین به قطعه شعری از فخرالاشراف در مجله ارمغان (دوره دوم، ش ۱۱-۱۲، ص ۴۰) اشاره کردند. درباره این انتساب هم اظهار تردید کردم، چرا که در آن دوره (حدود ۱۳۰۰ شمسی) ظاهراً چند شاعر دیگر هم از اقلیم فارس یا لقب فخرالاشراف فعالیت داشته‌اند (برای نمونه نک. حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۱۳۹۴). حاشیه مصحح؛ با این حال، این شعر را در ادامه مقاله حاضر با قید «ظاهراً» آورده‌ام. پرسش خانم فراهانی نگارنده را به بازخوانی و مقایسه مجدد منابع ترغیب نمود؛ از ایشان سپاسگزارم.

به صورت خلاصه چنین است:

میرزا قاسم فخرالاشرف فرزند میرزا حسن فرزند میرزا علی فرزند میرزا رحیم فرزند میرزا سید محمد فرزند میرزا محمدحسین فرزند میرزا محمدعلی فرزند میرزا محمدرضا فرزند میرزا احمد فرزند حکیم سلمان. (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۲/۱۰۹۶-۱۱۰۰)

فرصت شیرازی بر آن است که نسب این طایفه به شاه صفی (حک. ۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) می‌رسد (نک. فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/۸۷۱، حاشیه مؤلف) که محلّ تردید است، زیرا همان‌طور که پس از این می‌آید، حکیم سلمان سر سلسله این خاندان از جهرم فارس بوده و در زمان شاه عباس به اصفهان رفته است. البته این امکان هم هست که حکیم سلمان و یا فرزندان او به مناسبت جاه و مکتبی که داشته‌اند با صفویان وصلت کرده باشند.

صاحب فارسنامه ناصری نامی از خود میرزا قاسم فخرالاشرف نیآورده است و ما، چنان‌که پیش از این اشاره کردیم، صورت این سلسه را به کمک مرآت الفصاحه (داور شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۶۳) و آثار عجم (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۸۷۲) تکمیل نموده‌ایم. اکنون جهت مزید فایده به معرفی کوتاهی از افراد این سلسه می‌پردازیم:

حکیم سلمان اصالتاً از جهرم فارس بوده است. وی بعد از تحصیلات مرسوم به مسافرت می‌پردازد و نزد بسیاری از طبیبان و حکیمان نامی آن روزگار شاگردی می‌کند و به زودی خود در فن پزشکی به مهارت شگرفی دست می‌یابد، تا آن‌جا که آوازه‌اش به گوش شاه عباس اول می‌رسد و او را به دربار اصفهان فرا می‌خواند و به او لقب «حکیم‌باشی» اعطا می‌کند. بعد از حکیم سلمان، فرزندان و نوادگانش تا سه-چهار نسل در دستگاه صفویه به شغل و لقب پدر برقرار بوده‌اند: میرزا احمد حکیم‌باشی و فرزند او میرزا محمدرضا حکیم‌باشی و فرزند او میرزا محمدعلی حکیم‌باشی. فرزند میرزا محمدعلی، یعنی میرزا محمدحسین حکیم‌باشی هم بر شغل پدران خویش بود که فتنه افغان پیش آمد و به همین سبب به اقلیم فارس مهاجرت کرد و در آن‌جا با استقبال نواب محمدتقی خان شیرازی (بیگلربیگی فارس) روبرو شد (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۲/۱۰۹۶).

بعد از وفات میرزا محمدحسین، فرزندش میرزا سید محمد حکیم‌باشی که او هم طیب پرآوازه‌ای بوده است به دستگاه کریم‌خان زند می‌پیوندد و از این رهگذر به جاه و توانگری می‌رسد. وی مدتی هم طیب آقامحمدخان قاجار بوده است تا این‌که در سال ۱۲۱۵ق وفات می‌یابد.

این میرزا سید محمد سه پسر داشته است که دو تن از آنان از نویسندگان و شاعران مشهور دوره قاجار بوده‌اند:

فرزند نخست او میرزا محمدباقر ملاباشی^۷ است که برخلاف پدران خود، راه طبابت پیش نگرفت و به تحصیل در علوم دینی پرداخت و بعدها تحت عنوان و لقب «ملاباشی» به خدمت حسینعلی میرزا فرمانفرما درآمد و کتبی از جمله شرح صحیفه سجّادیه، بحر الجواهر، انوار الحقایق، مقاصد الصالحین و انوار القلوب تألیف کرد. وی در سال ۱۲۴۰ق درگذشت و در حافظیه شیراز به خاک سپرده شد.

فرزند دوم میرزا سید محمد، میرزا محمدحسین ملاباشی^۸ بوده است که او نیز مانند برادر خود، محمدباقر، اهل فضل و دانش به شمار می‌آمده و بعد از محمدباقر، بالقب «ملاباشی» جانشین او شده است. میرزا محمدحسین در سال ۱۲۶۵ق وفات یافته است (حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۲/۱۰۹۷).

فرزند سوم میرزا سید محمد، میرزا رحیم حکیم‌باشی ملقب به فخرالدوله است که در شاعری «بیدل» تخلص می‌کرده است. وی به موافقت اجداد خویش، علم پزشکی را دنبال نمود و در این حوزه یکی از برجستگان روزگار

۷. میرزا محمدباقر را پسری به نام میرزا سید محمد بوده که به سال ۱۲۹۷ق وفات یافته است. سید محمد نیز دو پسر به نام‌های میرزا محمدباقر و میرزا علی داشته است. میرزا محمدباقر در سال ۱۲۵۳ق تولّد یافته و تا زمان نگارش فارسنامه ناصری (حدود ۱۳۱۰ق) در قید حیات بوده است و سرپرستی املاک موروثه را بر عهده داشته است. پسری هم به نام عبدالباقی (متولد ۱۲۷۸ق) داشته است. اما فرزند دوم سید محمد، یعنی میرزا علی، در سال ۱۲۷۰ق تولّد یافته بوده و در حدود ۱۳۱۰ق در حیات بوده و در عتبات عالیات می‌زیسته است (نک. حسینی فسایی، ۱۳۸۸: ۲/۱۰۹۷).

۸. میرزا محمدحسین مشهور به حاجی آقا ملاباشی دو پسر به نام‌های میرزا سید علی (متوفی ۱۲۶۷ق) و میرزا جعفر (متوفی ۱۲۷۳ق) داشته است. میرزا سید علی هم دو فرزند به نام‌های میرزا زین‌العابدین (متولد ۱۲۵۱ق) داشته که چندی در استرآباد اسیر ترکمانان شده بوده است و دیگری میرزا علی محمد که تا حدود ۱۳۱۰ق زنده بوده و در تلگرافخانه شاهی تهران مشغول بوده است. میرزا جعفر را هم دو پسر به نام‌های میرزا حسن علی و میرزا محمدعلی بوده است که حدود سال ۱۳۱۰ق در تهران مقیم بوده‌اند (نک. همان: ۱۰۹۸).

گردید. میرزا رحیم در طب و حکمت شاگرد میرزا حسن علی طیب بود و بعدها از شیراز به تهران نقل مکان کرد و به معالجه بیماران پرداخت. پس از چندی به دربار فتحعلی شاه قاجار راه یافت و طیب مخصوص حرمسرای شاهی شد. صاحب فارسنامه ناصری در این باره می‌نویسد:

مأمور به معالجه مرضای شاهی گردید و مخصوصاً طیب خاصه نواب خورشید احتجاب، شاهزاده فخرجهان خانم، ملقب به فخرالدوله دختر ششم از چهل و هشت نفر دختران... فتحعلی شاه قاجار گشته او را حکیم‌باشی فخرالدوله گفتند... (همان: ۱۰۹۸/۲)

پس می‌توان گفت لقب «فخر» که از میرزا رحیم بیدل تا نواده‌اش میرزا قاسم فخرالاشرف، میان این خاندان رواج داشته است به مناسبت لقب فخرجهان خانم دختر ششم ناصرالدین شاه بوده است.

میرزا رحیم چندی هم به نیابت میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله منشی الممالک مشغول بود و نگارش رسائل و فرمان‌ها را بر عهده داشت و در حدود سال ۱۲۴۵ق به شیراز بازگشت و به سال ۱۲۵۸ق در شهر قم وفات یافت (همانجا). از بیدل دیوانی پنج‌هزاربیتی به جای مانده است و نویسنده دانشمندان و سخن‌سرایان فارس اشعاری را از همان دیوان انتخاب و نقل کرده است. در فارسنامه هم اشعاری از او آمده است (نک: رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۳۷: ۵۰۷/۱). به‌راهنمایی رستگار فسایی، ۱۳۸۸: ۱۰۹۹/۲).

میرزا رحیم بیدل را فرزندی به نام میرزا علی بوده که به سال ۱۲۳۰ق متولد شده است. نمی‌دانیم که او هم مانند اجداد خویش به شغل درباری مشغول بوده یا خیر، اما بر اساس روایت صاحب فارسنامه ناصری حدس می‌زنیم که وی به دربار نرفته بوده است. میرزا حسن فسایی درباره میرزا علی می‌نویسد:

کسب کمالات علمیّه را به احسن وجوه نموده، سرآمد اقران خود شده، مدّت‌ها است در مشهد مقدّس به آستان‌بوسی حضرت ثامن الائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم مشغول گشته، عبادت ایزد متعال را وجهه همّت خود ساخته، به هیچ کاری نپرداخته است و گاهی بر سبیل تفنّن شعری گوید و تخلص خود را «فخر» گذاشته است. (همانجا)

از این عبارت معلوم می‌شود که میرزا علی در زمان نگارش

فارسنامه ناصری (حدود ۱۳۱۰ق) هنوز زنده بوده است. این میرزا علی، پدر بزرگ میرزا قاسم فخرالاشرف بوده است (برای دورنمای بهتر نک. ادامه همین مقاله، شجره سادات موسوی).

میرزا علی را شش پسر به نام‌های میرزا سید رضی^۹، میرزا حسین^{۱۰}، میرزا حسن^{۱۱}، میرزا محمدعلی^{۱۱}، میرزا محمد و میرزا عبدالرضا بوده است که سومین پسر او، یعنی میرزا حسن، پدر میرزا قاسم فخرالاشرف بوده است. میرزا حسن هم گاهی شعر می‌گفته و به نام خود (حسن) تخلص می‌کرده است. او نیز از ادبیات و علوم مختلف آگاه بوده است (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۸۷۲).

میرزا قاسم فخرالاشرف، همان‌طور که پیش از این نوشتیم، در حدود سال ۱۳۱۵ق با دختر شیخ‌الرئیس ابوالحسن میرزا ازدواج می‌کند و با پدر خود میرزا حسن رهسپار تهران می‌شود. هنوز نمی‌دانیم که میرزا قاسم در دوره قاجار به چه شغلی مشغول بوده، با این حال مسلم است که در دوره پهلوی اوّل در وزارت معارف و صنایع مستظرفه سمتی داشته است (نک. حکمت شیرازی، ۱۳۹۷: ۱۰/۱۱).

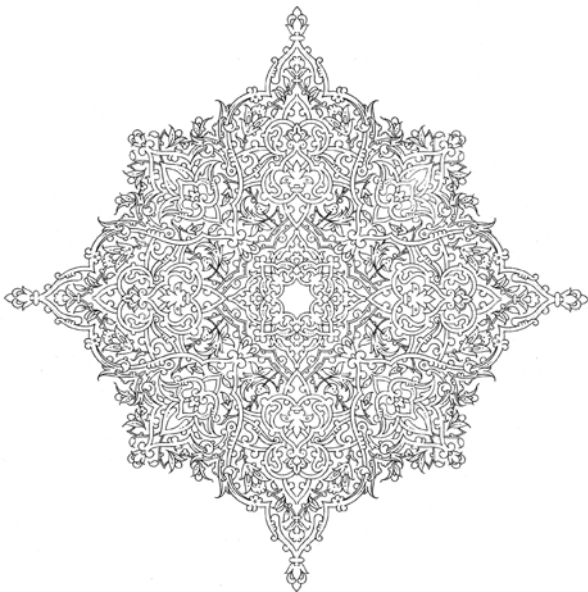
از فخرالاشرف اشعار پراکنده‌ای در مجلات و کتیبه‌های دوره پهلوی اوّل باقی مانده است که پاره‌ای از آن‌ها را در مقاله مجله شعری‌پژوهی گرد آورده‌ایم. علاوه بر آن سروده‌ها، قطعاتی هم در مجله ارمنغان و تعلیم و تربیت دیده می‌شود. از جمله ماده تاریخی که به مناسبت تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ شمسی، در مدح پهلوی اوّل سروده است (نک. فخرالاشرف شیرازی، ۱۳۱۴: ۲۵). دیگر، ماده تاریخ زیر که در رثای «لسان الشعراء» به سال ۱۳۴۰ق (۱۳۰۰ شمسی) سروده شده است و ظاهراً از همین فخرالاشرف مورد نظر ما است:

۹. فرصت درباره او می‌نویسد: «جناب سید رضی نایب‌الوزاره در علم ریاضی و انشاء به مدارج عالیّه ارتقاء جسته و در طهران ساکن گشته مقبول سلطنت و محبوب دولت است» (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷: ۲/۸۷۲).

۱۰. «جناب میرزا محمدحسین خلف حاجی میرزا علی مذکور دارای علم و عمل است و در زهد و تقوی بی‌بدل در بی‌همدمی شعری می‌سراید و «همدم» تخلص می‌نماید»، سپس از او سه بیت شعر آورده است (همانجا).

۱۱. «جناب حاجی میرزا محمدعلی منشی نیز آنها را برادر است مردی فاضل و در بسیاری از علوم کامل استماع شد که اکثر نهج‌البلاغه را حافظ است آن نیز در طهران ساکن است و جناب میرزا محمد برادر کهنتر مشارالیه است جوانی است آراسته و از هر عیب پیراسته» (همانجا).

- حکمت، علی اصغر (۱۳۹۷). ره‌انجام حکمت. به‌اهتمام سید محمد دبیرسیاقی. تهران: خجسته.
- داور شیرازی، شیخ مفید (۱۳۷۱). مرآت الفصاحه. تصحیح و تکمیل و افزوده‌ها از محمود طاووسی. شیراز: نوید شیراز.
- رستگار فسائی، منصور (۱۳۸۸) ← حسینی فسائی، ۱۳۸۸ (حواشی مصحح)
- رکن‌زاده (آدمیت)، محمدحسین (۱۳۳۷). دانشمندان و سخن‌سرایان فارس. تهران: اسلامیّه و خیّام.
- فخرالاشرف شیرازی، میرزا قاسم (۱۳۰۰). «ماده تاریخ فوت لسان الشعراء». ارمغان، دوره دوم، ش ۱۱-۱۲: ۴۰۰.
- _____ (۱۳۰۰). «قطعه شعر انتقادی». ارمغان، دوره دوم، ش ۴: ۱۴۴.
- _____ (۱۳۱۴). «ماده تاریخ تأسیس دانشگاه». تعلیم و تربیت، سال پنجم، ش ۱: ۲۵.
- فرصت شیرازی، محمدنصیر (۱۳۷۷). آثار عجم. تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۱۴). آثار عجم. چاپ سنگی. به‌اهتمام سید محمد تاجر شیرازی. بمبئی: مطبعه ناصری.
- فهیندز سعدی، حمیدرضا (۱۴۰۰). «آگاهی‌های تازه درباره زگهواره تا گور دانش بجوی و سراینده آن». شعرپژوهی، سال سیزدهم، ش ۴۸: ۱۴۹-۱۷۲.



وارسته از این جهان لسان الشعراست
وارد شده در جنان لسان الشعراست
تاریخ وفات او چنین گفتا فخر
پاینده جاودان لسان الشعراست
(۱۳۴۰ق)

(فخرالاشرف شیرازی، ۱۳۰۰: ۴۰۰)

همچنین سروده زیر که به‌تأثیر از وقایع مشروطه سروده و در آن به هر دو گروه سنت‌گرا و متجدّد تاخته‌است:

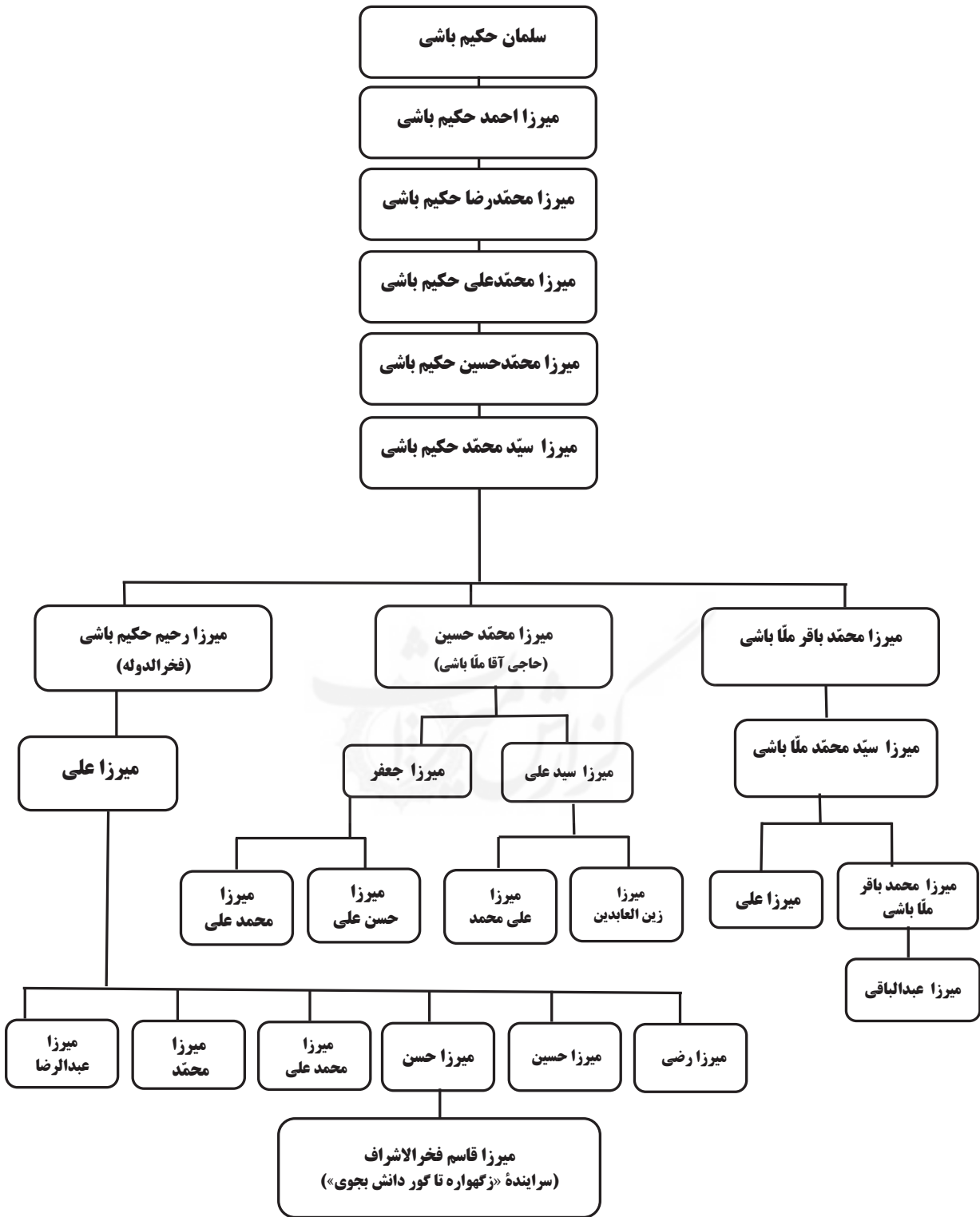
...از اول مشروطه پی فتنه به هم دست
دادند که پامال ستم شد وطن ما
دانی که سیه‌روزی ما گشت کی آغاز؟
آن روز که شد رهبر ما راهزن ما
آن خانه‌بر شب شد و این کیسه‌بر روز
این در ره ما غول شد آن اهرمن ما
تا چند و کی این قوم سیه‌کار دغل‌کیش
مانند زلو خون بمکند از بدن ما
از سینه غیرت نفس گرم برآید
سردی مگر آواره شود ز انجمن ما
این گنج‌بران خار و خس باغ وجودند
ای رنج‌بران رفت کجا خارکن ما؟

(فخرالاشرف شیرازی، ۱۳۰۰: ۱۴۴)

یکی از مواردی که در احوال فخرالاشرف باید بدان رسیدگی شود تاریخ دقیق فوت او است. نگارنده در مقاله پیشین خود با ارائه شواهدی، تاریخ فوت او را در محدوده مهر ۱۳۱۵ تا دی ۱۳۱۸ دانسته‌است. برای رسیدن به تاریخی دقیق، علاوه بر منابع تاریخی رایج، می‌توان آگاهی‌های ترحیم در جراید معتبر این سه سال را واکاوی نمود یا به پرونده شغلی او در اسناد به‌جای‌مانده از وزارت معارف و صنایع مستظرفه مراجعه کرد. در پایان برای دورنمایی بهتر از مباحث این یادداشت، شجره‌خاندان فخرالاشرف ارائه می‌گردد (نک. پایان مقاله).

منابع

- حسینی فسایی، حسن (۱۳۸۸). فارسنامه ناصری. تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.



شجره سادات موسوی (مشهور به طایفه حکیم‌باشی یا ملاباشی)

Table of Contents

Editorial

Why Do We Neglect the Importance of Translation?	3-4
--------------------------------------------------------	-----

Articles

A Treatise on Aristotle's Biography and Works / Marvan RASHED ; Translated by Hoseyn MASOUMI HAMEDANI	5-8
An Unexpected Romance: Reevaluating the Authorship of the <i>Khosrow-nāma</i> / Austin O'MALLEY ; Translated by Shokoofe MAYBODI	9-33
Abū-Īshāq-i Kāzīrūnī and Īshāqī Dervishes in Anatolia / Fuat KÖPRÜLÜ ; Translated to German by Paul WITTEK ; Translated to Turkish by Jemal KÖPRÜLÜ ; Translated to Persian by Hojat FAKHRI	34-40
A Newly-Found Manuscript of <i>Hizār Hikāyat-i Şūfiyān</i> (A Thousand Narratives of the Sufis) / Hamed KHATAMIPOUR	41-50
The Friendship of Aunt Bear (Doing Someone an Unintended Disservice) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	51-55
<i>Bayāz-i Şā'ib</i> (An Anthology of Persian Poems Compiled by Şā'ib) / Seyyed Jafar HOSEYNI ESHKEVARI	56-59
Some Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of <i>Tārīx-i Sīstān</i> / HamidReza (Babak) SALMANI	60-66
New Information About the Poet of "Seek Knowledge from the Cradle to the Grave" (<i>Zi Gahwāra tā Gūr Dānish Bijūy</i>) and His Family / HamidReza FAHNDEJ SADI	67-72
Investigating the Poems of Two Different Shams-i Hājīs in <i>Majmu'ī-yi Laṭāyif wa Safīnī-yi Zārāyif</i> (A Handbook on Rhetoric and an Anthology of Persian Poems) / Mohsen SHARIFI SAHI	73-75
<i>Maktūbāt-i Qadīm</i> or <i>Maktūbāt-i Şadī</i> ? (Early Letters, or Centesimal Letters?) / MohamadSadegh KHATAMI	76-78
Investigating a Possibility: The Absence of the Title "Urūsh al-Dīn" in <i>Lubāb al-Albāb</i> / Sara SOLEYMANI KASHKOULI	79-80
Investigating a Number of Farrukhī-yi Sīstānī's Couplets through Yahyā Tawfīq's Anthology of Persian Poems / Kiamehr NAMVAR	81-87
Under the Auspices of Orientalists: Exploratory Roads to the Manuscripts of Ibn-i Baṭṭūṭa's Travelogue / Reyhaneh BEHBOUDI	88-95

Reviews and Critiques

The Importance of <i>The Library of Congress Catalogue of Persian Manuscripts</i> to Indian Sub-Continental Studies / Arif NAUSHAHI	96-98
A Few Notes on the New Edition of <i>the Small Farāmarznāma</i> , Its Composer and Date of Composition / Sajjad AYDENLOO	99-113
Translation or Distortion? (A Few Comments on <i>A Study Of Tabā'ī al-Ḥayawān</i>) / Yousuf AL-HADI ; Translated by Salman SAKET	114-123
Some Considerations on the Edited Text of <i>'Ajāyib al-Dunyā</i> (Wonders of the World) / Seyyed Reza MOUSAVI HAFTADOR ; Radman RASOULI MEHRABANI	124-145

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (12) / Walter BRUNO HENNING ; Translated by Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI	146-151
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---------

Iran in Ottoman Texts and Sources (22)

Works of Ahmed Cevdet Pasha / Nasrollah SALEHI	152-154
-------------------------------------------------------------	---------

On the Previous Articles

On <i>Shin-i Zayī</i> and <i>Sin-i Zayī</i> (the Farsi Phonemes /sh/ and /s/ Realised as /z/) / Ali Ashraf SADEGHI	155-156
<i>Chand - Chand-e</i> / Masoud RASTIPOUR	157-159

Gozaresh-e Miras

92 - 93

Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology

Third Series, vol. 5, no. 3 - 4, Autumn 2020 - Winter 2021
[Pub. Spring 2022]

Proprietor:

The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:

Akbar Irani

General Editor:

Masoud Rastipour

Managing Editor:

Younes Taslimi-Pak

Cover:

Mahmood Khani

Print:

Miras

No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran

Postal Code: 1315693519

Tel: 66490612, **Fax:** 66406258

Website: www.mirasmaktoob.ir

E-mail: gozaresh@mirasmaktoob.ir

Table of Contents

Editorial

Why Do We Neglect the Importance of Translation? 3-4

Articles

A Treatise on Aristotle's Biography and Works / Marvan RASHIED; Translated by Hoseyn MASOUMI HAMEDANI 5-8

An Unexpected Romance: Reevaluating the Authorship of the *Khosrow-nāma* / Austin O'MALLEY; Translated by Shokoofe MAYBODI 9-33

Abū-İshāq-i Kāzirūnī and İshāqī Dervishes in Anatolia / Fuat KÖPRÜLÜ; Translated to German by Paul WITTEK; Translated to Turkish by Jemal KÖPRÜLÜ; Translated to Persian by Hojat FAKHRI 34-40

A Newly-Found Manuscript of *Hizār Hikāyat-i Şūfiyān* (A Thousand Narratives of the Sufis) / Hamed KHATAMIPOUR 41-50

The Friendship of Aunt Bear (Doing Someone an Unintended Disservice) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI 51-55

Bayāz-i Şā'ib (An Anthology of Persian Poems Compiled by Şā'ib) / Seyyed Jafar HOSEYNI ESHKEVARI 56-59

Some Remarks on the Introduction of the Facsimile Edition of *Tārīx-i Sīstān* / HamidReza (Babak) SALMANI 60-66

New Information About the Poet of "Seek Knowledge from the Cradle to the Grave" (*Zi Gahwāra tā Gūr Dānish Bijūy*) and His Family / HamidReza FAHNDEJ SADI 67-72

Investigating the Poems of Two Different Shams-i Hājis in *Majmu'ī-yi Laṭāyif wa Safīnī-yi Zarāyif* (A Handbook on Rhetoric and an Anthology of Persian Poems) / Mohsen SHARIFI SAHI 73-75

Maktūbāt-i Qadīm or *Maktūbāt-i Sadī*? (Early Letters, or Centesimal Letters?) / MohamadSadegh KHATAMI 76-78

Investigating a Possibility: The Absence of the Title "Urūsh al-Din" in *Lubāb al-Albāb* / Sara SOLEYMANI KASHKOULI 79-80

Investigating a Number of Farrukhī-yi Sīstānī's Couplets through Yaḥyā Tawfīq's Anthology of Persian Poems / Kiamehr NAMVAR 81-87

Under the Auspices of Orientalists: Exploratory Roads to the Manuscripts of Ibn-i Baṭṭūṭa's Travelogue / Reyhaneh BEHBOUDI 88-95

Reviews and Critiques

The Importance of *The Library of Congress Catalogue of Persian Manuscripts* to Indian Sub-Continental Studies / Arif NAUSHABI 96-98

A Few Notes on the New Edition of *the Small Farāmarznāma*, Its Composer and Date of Composition / Sajjad AYDENLOO 99-113

Translation or Distortion? (A Few Comments on *A Study Of Ṭabā'ī' al-Hayawān*) / Yousuf AL-HADI; Translated by Salman SAKET 114-123

Some Considerations on the Edited Text of *'Ajāyib al-Dunyā* (Wonders of the World) / Seyyed Reza MOUSAVI HAFTADOR; Radman RASOULI MEHRABANI 124-145

Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (12) / Walter BRUNO HENNING; Translated by Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI 146-151

Iran in Ottoman Texts and Sources (22)

Works of Ahmed Cevdet Pasha / Nasrollah SALEHI 152-154

On the Previous Articles

On *Shin-i Zayī* and *Sin-i Zayī* (the Farsi Phonemes /sh/ and /s/ Realised as /z/) / Ali Ashraf SADEGHI 155-156

Chand - Chand-e / Masoud RASTIPOUR 157-159